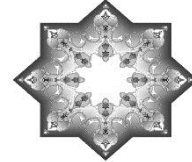


راهبردهای احراز مسئولیت بین المللی دولت فعلی عراق در تادیه خسارات زیست محیطی جنگ تحمیلی به ایران از طریق اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت



دکتر علی فقیه حبیبی^۱

از صفحه ۱۱۱ تا ۱۳۵
تاریخ ارایه: ۹۳/۳/۱۴
تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲۸

چکیده

شورای امنیت به عنوان یکی از مهمترین و اساسی ترین ارکان سازمان ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر دوش دارد. رویه شورای امنیت در برخورد با مسایل مربوط به تهاجم عراق به ایران و موارد پیرامونی آن به نظر تبعیض آمیز می رسد چرا که به رغم اینکه ادله کافی برای متجاوز دانستن عراق به عنوان متجاوز در اختیار شورا بوده، اصولاً پذیرش موضوع تجاوز و متجاوز، خود را تا پایان جنگ به تجاهل زده است و واکنشی نشان نداده است. مسلماً اجرای تصمیمات شورای امنیت بر طبق فصل هفتم منشور به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی و مستنداً به مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد این قطعنامه لازم الاتباع می باشد و بر اساس بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ که تصریح کرده در صورت نیاز شورای امنیت جهت اجرای قطعنامه تشکیل جلسه می دهد، لذا می توان گفت که سازمان ملل متحد و شورای امنیت در قبال اجرای کامل قطعنامه مزبور می بایست مسئولیت و تعهدات خود را در این خصوص ایفاء کنند. در این مقاله سعی شده است با بهره گیری از قواعد حقوق بین الملل، ضمن تبیین وضعیت حقوقی فعلی قطعنامه ۵۹۸، راهبردهای مطالبه خسارات زیست محیطی جنگ تحمیلی از طریق اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ را روشن و تبیین کند.

واژگان کلیدی: قطعنامه ۵۹۸، خسارات زیست محیطی، شورای امنیت، صلح و امنیت بین المللی.

مقدمه

توسل به زور توسط عراق علیه کشورمان از ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ به صورت پراکنده آغاز شد. (هیوم، ۱۳۷۶، ۱۲) و در واپسین ساعات صبح ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ برابر با ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به صورت گسترده و برنامه‌ریزی شده به دلایل مختلف آغاز شد (پارسا دوست، ۱۳۷۱، ۱۷). اما آغاز تهاجم از منظر مجامع بین‌المللی، همان ۳۱ شهریور اعلام شده است. دبیرکل سازمان ملل متحد نیز خود بعدها در بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ شورا به آغاز کردن جنگ از سوی عراق اعتراف کرد. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) ۲۲ لشکر مکانیزه عراق، به شکلی غافلگیرانه مرزهای بین‌المللی را پشت سر گذاشتند و طی چندروز نبرد ۳۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را به اشغال خود درآوردند. مطابق قطعنامه تعریف تجاوز (قطعنامه ۳۳۱۴ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی) با حمله مسلحانه عراق به ایران، تجاوز واقع شده و این تهاجم مبنای اصلی بررسی اقدام تجاوزکارانه عراق از لحاظ حقوق بین‌المللی است. (مصفا، ۱۳۶۶، ۲۲)

کورت والدهایم، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در نخستین واکنش خود به آغاز این تهاجم، مساله را به اختلافات پیشین ایران و عراق ربط داد و بدون آنکه به حمله منسجم عراق به ایران بپردازد، نگرانی خود را به تیره شدن روابط دو کشور و تشدید اختلافات آنها متمرکز نمود. (پارسا دوست، ۱۳۷۱، ۱۸)

شورای امنیت سازمان ملل متحد، سرانجام پس از تقریباً هفت سال تاخیر، در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ برابر با ۳۰ تیر ۱۳۶۶، قطعنامه ۵۹۸ خود را درباره جنگ ایران و عراق صادر کرد. به موجب این قطعنامه که بر اساس فصل هفت و مواد ۳۹ و ۴۰ منشور تصویب شد، شورا از طرفین مخاصمه خواست که هرچه زودتر به اقدامات نظامی خود در خشکی، دریا، و هوا پایان دهند و نیروهای خود را به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند. همچنین شورا از طرفین درخواست نمود که بلافاصله پس از قطع «مخاصمات فعال»، اسرای جنگی را آزاد کنند و به کشور خودشان بازگردانند. قطعنامه مذکور از دولت‌های دیگر خواست که نهایت خویشتن داری خود را به کار گیرند و از شعله ور کردن جنگ پرهیز نمایند.

از آنجایی که یکی از انگیزه‌های تصویب کنندگان قطعنامه در این مقطع زمانی، نجات عراق از شکست حتمی در جنگ بود، لذا طبیعی بود که آن کشور بلافاصله، از اجرای آن استقبال کند،

جمهوری اسلامی ایران، به دلیل برتری نظامی خود در جبهه های نبرد و به این جهت که قطعنامه توجه جدی به مساله و آغاز کننده جنگ و تنبیه و مجازات او نکرده بود، در ابتدا حاضر نشد ترتیبات قطعنامه را بپذیرد، ولی در نهایت و حدوداً پس از یک سال قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفت و به جنگ با عراق خاتمه داد.

پذیرش قطعنامه از سوی ایران، سبب شد عراق در ابتدا تصور کند که ایران در آستانه شکست است و پذیرش قطعنامه و برقراری آتش بس، مانع شکست آن می شود. بنابراین از قبول ترتیبات قطعنامه و برقراری آتش بس امتناع کرد. کارشکنی عراق در قبول قطعنامه و اعلام آتش بس، طولی نکشید و آن کشور به دلیل اعمال فشارهای سیاسی و بین المللی، نهایتاً در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ مجبور شد به اجرای قطعنامه تن در دهد. پس از اعلام آتش بس توسط عراق طرفین برای به اجرا درآوردن سایر ترتیبات و مقررات قطعنامه، مذاکرات را زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد آغاز کردند و چندین دور گفتگو بین نمایندگان آنها در نیویورک و ژنو انجام شد اما اختلاف نظر طرفین درباره نحوه به اجرا درآوردن ترتیبات و مقررات قطعنامه، پیشرفت مذاکرات را با مشکل مواجه ساخت و مانع از آن شد که به نتایج مثبت و قابل ملاحظه ای دست یابند. سرانجام حمله عراق به کویت در اوت سال ۱۹۹۰، بن بست را که در مذاکرات دو کشور به وجود آمده بود، شکست و زمینه را برای اجرای بخش دیگری از مفاد قطعنامه فراهم کرد و در چارچوب این قطعنامه و توافقات دوجانبه، پیشرفت های قابل ملاحظه ای در اجرای آن به عمل آمد لیکن بندهایی از این قطعنامه همچنان تا زمان سرنگونی صدام اجرا نشده باقی ماند.

حال پس از گذشت ۲۵ سال از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و عراق و مذاکرات دو کشور برای اجرای کامل آن، شاهد وقایع دیگری در عراق و تشکیل دولت جدید هستیم که این وضعیت جدید سوالاتی را پیرامون اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و تعهدات دولت جدید عراق در قبال آن ایجاد می نماید و بر همین اساس محقق در این تحقیق درصدد است که با بهره گیری از قواعد حقوق بین الملل، ضمن تبیین وضعیت حقوقی فعلی قطعنامه ۵۹۸، تعهدات دولت قبلی و فعلی عراق در قبال تادیه خسارات زیست محیطی جنگ تحمیلی از طریق اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ را روشن و به سوالات ذیل پاسخ دهیم.

۱. مناسب ترین راهبردها برای مطالبه خسارات زیست محیطی ناشی از جنگ عراق علیه ایران

و جستجوی راه‌های احیای روند مندرج در قطعنامه ۵۹۸ که به هر دلیل مدت‌ها معلق مانده است، کدامند؟

۲. آیا تعهدات بین‌المللی دولت قبلی عراق از جهت پرداخت خسارات زیست‌محیطی قابل انتقال به دولت جدید در این کشور می‌باشد یا خیر؟ چرا؟
موضوعی که در این مقاله مورد تحقیق قرار گرفته می‌تواند ضمن اثبات تعهد دولت جدید عراق در قبال اجرای قطعنامه ۵۹۸، راهبردهای حقوقی مناسب را برای دولتمردان و دستگاه دیپلماسی کشور تعریف نماید تا با تکیه بر آنها، جبران خسارات وارده زیست‌محیطی به ایران در اثر تجاوز عراق امکان‌پذیر گردد که طبعاً این موضوع علاوه بر ابعاد مادی آن، از حیث تاریخی نیز دارای اهمیت به‌سزائی است.

روش‌شناسی

در مقاله حاضر، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای از طریق مراجعه به کتب و مقالات در این رابطه و همچنین مراجعه به سایت‌های اینترنتی و اساتید بزرگوار مطلع در این زمینه بوده است.

مهمترین نکات در باب جایگاه حقوقی و اعتبار قطعنامه ۵۹۸ در حقوق بین‌الملل

الف- با عنایت به ماده ۲۴ منشور ملل متحد، اقدام شورای امنیت در صدور قطعنامه ۵۹۸ قانونی و این قطعنامه در حدود صلاحیت‌های شورای مذکور صادر گردیده و قانونی است. چون در این ماده صریحاً وظیفه اصلی شورا را، داشتن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرده است.

ب- با توجه به ماده ۲۵ منشور ملل متحد، و اینکه دو کشور ایران و عراق به عنوان اعضای ملل متحد پذیرفته‌اند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق منشور قبول و اجرا نمایند، این قطعنامه برای طرفین منازعه (عراق و ایران) لازم‌الاجرا است. و برداشت‌های مختلفی که از ماده ۲۵ مبنی بر الزام آور بودن یا نبودن آن بی‌اثر خواهد بود چراکه به صرف پذیرش دو طرف منازعه برای آنها الزام آور خواهد بود.

ج- با عنایت به اینکه قطعنامه ۵۹۸ بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ و به موجب فصل هفتم منشور ملل

متحد تصویب گردیده است، اجرای آن برای طرفین منازعه الزام‌آور است. مضافاً پذیرش آن از سوی دوطرف منازعه، این اثر الزام آور بودن را قطعیت می‌بخشد.

د- پذیرش و اجرای بخش‌هایی از قطعنامه ۵۹۸ حاکی از اراده طرفین برای اجرای آن بوده است و این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که رویه قضائی بین‌المللی برای موارد مشابه قائل و آثار معاهداتی شده است.

نقاط قوت و ضعف قطعنامه ۵۹۸

نقاط ضعف: خواسته‌های ایران در بند ششم قطعنامه ۵۹۸ (تعیین مسئول آغازگر جنگ) به صورتی بسیار کم‌رنگ گنجانده شد. اما این قطعنامه نیز هم‌چون سایر قطعنامه‌های شورای امنیت، نمی‌توانست پایان عادلانه جنگ ایران و عراق را تضمین کند. از جمله نقاط ضعف دیگر قطعنامه عبارتند از تقدم آتش بس، بازگشت به مرزها و مبادله اسیران بر حل جامع و رسیدگی به مسئولیت آغازگر جنگ، با وجود احراز نقض صلح در این قطعنامه، ناقض صلح معرفی نشده است. وجود ابهام در بند ۶ و بند ۷ در مورد چگونگی تعیین مسئولیت جنگ و جبران خسارت، بند ۱۰ قطعنامه راه‌تهدید و ارباب ایران و حضور بیشتر قدرت‌های خارجی را در منطقه بازگذاشته است.

با وجود این علیرغم ضعف‌های بسیار این قطعنامه نقاط قوتی نیز در آن دیده می‌شود که نشان‌دهنده، شورای امنیت سازمان ملل برخی واقعیت‌ها را پذیرفته است. با در نظر داشتن این نکته که شورای امنیت بیشتر در اختیار قدرت‌های بزرگ است و موضوعی بدون رای و نظر آنان مورد تصویب قرار نمی‌گیرد، برخی نکات قوت قطعنامه ۵۹۸ شامل موارد زیر است:

۱- عنوان این قطعنامه برخلاف سایر قطعنامه‌های تصویبی که وضعیت ایران و عراق در آن ذکر می‌شود جنگ بین ایران و عراق است. شورای امنیت قبل از این قطعنامه حاضر نبود لفظ جنگ را به کار گیرد و این بخودی خود، امری مثبت تلقی می‌شود. زیرا در برداشت سنتی از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی که موضوع ماده ۳۹ منشور ملل متحد است، جنگ بین دو دولت یا تهدید به توسل به زور از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی است. به عبارتی دیگر تهدید صلح در چارچوب ماده ۳۹ منشور، مبین وضعیتی است که به طور موثر، صلح را به خطر می‌اندازد. از موارد بارز تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی جنگ بین دو دولت یا تهدید به توسل به زور است و شورا با به‌کار بردن این واژه در قطعنامه ۵۹۸ به تهدید بارز و مشخصی که علیه

صلح و امنیت بین‌المللی از سوی عراق ایجاد شده بود اعتراف کرد.

۲- این قطعنامه در مقایسه با قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل متحد، آمرانه تر بود و همچون قطعنامه‌های قبلی به توصیه بسنده نکرد، بلکه از قاطعیت بیشتری برخوردار بود.

۳- برای تصویب قطعنامه بحث‌های بسیاری صورت گرفته است تا قطعنامه‌ای تصویب شود که مورد نظر شورای امنیت، ایران و عراق باشد.

۴- قطعنامه ۵۹۸ طولانی‌ترین و مفصل‌ترین قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق است.

۵- این قطعنامه با توجه به زمان تصویب آن، تحت تاثیر پیروزی‌های چشمگیر ایران در جنگ، به ویژه تصرف جزیره فاو و منطقه شلمچه در شرق بصره قرار داشته، و به همین دلیل، مجبور شده است برخی واقعیت‌ها را بپذیرد.

۶- بررسی محتوای قطعنامه و راه‌های اجرایی آن نشان می‌دهد که شورای امنیت برای اولین بار بصورت جدی به جنگ ایران و عراق نگرسته است.

۷- در قسمت مقدماتی بند سوم، لفظ آغاز و ادامه جنگ، به میزان قابل توجهی بیانگر پذیرش این واقعیت از زبان شورای امنیت است که باید به آغازگر جنگ توجه نمود. اگر چه لفظ ادامه جنگ تا حدودی منطق حاکم بر این جمله را با ابهام و تردید مواجه می‌سازد.

۸- در قسمت مقدماتی پاراگراف چهارم، بیان اظهار تاسف از نقض قوانین انسان دوستانه بین‌المللی و اشاره به بمباران مراکز صرفاً مسکونی، غیر نظامی و حمله به کشتی‌های بی طرف یا هواپیماهای کشوری و کاربرد سلاح‌های شیمیایی، تماماً به سود ایران قید شده است.

۹- در قسمت مقدماتی پاراگراف هفتم، جمله حصول به راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه بیان شده است که مورد نظر ایران بوده و تکرار آن در بند چهارم اجرایی، نشانگر دقت شورا درباره نظرات ایران برای پایان جنگ است.

۱۰- قسمت مقدماتی پاراگراف نهم، اشاره می‌کند که در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است. نکته قابل توجه آن در این است که با توجه به این تاکید، شورا باید ناقض صلح را تشخیص دهد.

۱۱- بند پنجم قطعنامه می‌تواند تفسیری بر عدم حضور و مداخله قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس باشد. در این بند، از تمامی کشورها خواسته شده است تا از هرگونه اقدامی که منجر به تشدید

و گسترش بیشتر جنگ می‌شود، احتراز کنند. بدین ترتیب ایران می‌تواند مدعی این نکته باشد که حضور ابر قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس عملاً باعث گسترش منازعه شده و پیشرفتی در اجرای قطعنامه ۵۹۸ حاصل نشده است.

۱۲- بند ششم قطعنامه که مصمم است مسئول جنگ را مشخص کند، به طور کامل تامین‌کننده یک خواسته ایران از دبیر کل است.

۱۳- بند هفتم قطعنامه بیانگر این نکته است که شورای امنیت موضوع بازسازی دو کشور را مورد توجه قرار داده است. این نکته در کنار بند ششم که به تعیین متجاوز اهمیت می‌دهد، می‌تواند متضمن این نکته باشد که کشور متجاوز باید غرامت پرداخت کند.

۱۴- بند هشتم قطعنامه که ترتیبات امنیتی منطقه را با در نظر گرفتن کشورهای آن مورد توجه قرار می‌دهد تماماً مورد توجه جمهوری اسلامی ایران است. ایران اعلام کرده بود که امنیت منطقه با همکاری کشورهای آن حفظ خواهد شد و در صورت دخالت کشورهای خارجی این امنیت متزلزل می‌شود.

مواضع صریح ایران در ابتدا نسبت به قطعنامه ۵۹۸ نه به طور کامل قبول شده و نه رد شده است. این موضع‌گیری که پایان جنگ را از راه سیاسی همچنان مسکوت می‌گذاشت، تنها به پشتوانه برتری‌های نظامی در جبهه‌ها صورت می‌گرفت. با روند تحولات نظامی و اعمال فشارهای گسترده بین‌المللی به ایران و نیز حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس، ایران به تلاش‌های دبیرکل که سعی می‌کرد عناصر جدیدی را از نظر اجرایی به قطعنامه اضافه کند، پاسخ مثبت داد. یکی از این موارد که مورد استقبال ایران قرار گرفت و از سوی ایران نیز دنبال شد، این بود که هیات تعیین متجاوز، هم‌زمان با روز آتش بس کارش را آغاز کند. به هر حال پذیرش طرح اجرایی دبیرکل از سوی ایران، موجب تعجب محافل سیاسی و بین‌المللی دنیا شد. با افزایش فشارهای نظامی (به ایران به ویژه مورد هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری کشورمان با ناوچه‌های آمریکا در خلیج فارس که حاکی از آغاز مرحله‌ای جدید در جنگ بود) ایران قطعنامه ۵۹۸ را در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۶ پذیرفت. (مختاری، ۱۳۸۰، ۱۵۰)

بندهای اجرا شده قطعنامه ۵۹۸

الف- استقرار آتش بس (اجرای بند ۱):

دستور برقراری آتش بس میان دو کشور قبلاً و در پی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان

ملل توسط جمهوری اسلامی ایران از سوی «دکوئیار» صادر شده بود. وی به موجب نخستین بند این قطعنامه، آتش بس را اعلام و یک گروه ۱۳۰۰ نفره از نظامیان پاسدار صلح سازمان ملل را نیز مامور نظارت بر آن کرده بود. این گروه که اصطلاحاً - یونیم‌گ - نامیده می‌شدند، روز ۲۸ مرداد و در آستانه برقراری آتش بس در مرز دو کشور مستقر شدند. «یونیم‌گ» بر اساس قطعنامه ۶۱۲ مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۶۷ شورای امنیت تشکیل شد و در ابتدا ۶ ماه ماموریت یافت تا بر آتش بس در مرزهای ایران و عراق نظارت کند. اما پس از پایان این مدت ماموریت گروه ۶ ماه دیگر تمدید شد.^۱

ب- عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی (اجرای بند ۱):

به موجب بند ۱ قطعنامه، دو دولت ایران و عراق ملزم شده بودند که پس از برقراری آتش بس بلافاصله نیروهای خود را به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند. عراق، علیرغم صراحت قطعنامه، اجرای این تعهد را به تحقق شروطی دیگر، یعنی تامین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز و لایروبی شط العرب منوط ساخت. ایران نیز موکول کردن عقب نشینی را به زمان تحقق این شرایط، خلاف مقررات قطعنامه و غیر ممکن دانست. (متن نامه های مبادله شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، ۶۳، ۱۳۸۰).

چندین دوره مذاکرات طرفین درباره عقب نشینی نیروها، به دلیل کارشکنی‌های عراق به نتیجه نرسید و موضوع عقب نشینی حل نشده، باقی ماند. تا این که در اوت ۱۹۹۰، صدام به علت حمله خود به کویت، موضع اش را تغییر داد و در نامه ای به رئیس جمهور ایران اعلام کرد: «با عقب نشینی نیروها به پشت مرزهای بین‌المللی موافق است.» پس از اعلام صدام، عقب نشینی نیروها در ۵ روز (از ۲۶ تا ۳۰ مرداد) با نظارت UNIMOG آغاز شد و بدین ترتیب، یکی دیگر از

۱. (یونیم‌گ) متشکل از ۱۳۰۰ نفر بود که از ۲۴ کشور اعزام شده بودند. این کشورها عبارتند از آرژانتین، استرالیا، اتریش، بنگلادش، کانادا، دانمارک، فنلاند، غنا، مجارستان، هند، اندونزی، ایرلند، کنیا، مالزی، زلاندنو، نیجریه، نروژ، لهستان، سنگال، سوئد، یوگسلاوی و زامبیا. تعداد اعضای این گروه ۳۵۰ نفر ناظر نظامی و ۶۱۵ نفر نظامی بود. از این عده ۸۰ نفر پلیس نظامی، ۳۷۵ نفر مامور مخابرات، ۱۳۰ نفر خدمه هلیکوپتر و ۳۰ نفر دریانورد بودند. همچنین ۳۵۰ نفر غیر نظامی نیز به انجام امور اداری در گروه اشتغال داشتند. ستاد مرکزی یونیم‌گ در تهران و بغداد مستقر بود. هر یک از ستادهای مذکور متشکل از مدیریت نظامیان ناظر، مشاور سیاسی ارشد، سخنگوی گروه و سایر نفرات اصلی بود که به طور متناوب در تهران و بغداد انجام وظیفه می‌کردند. رییس گروه ناظران یک افسر ایرلندی بود و فرماندهی کل یونیم‌گ را نیز ژنرال (اسلاوکویویچ) تبعه یوگسلاوی بر عهده داشت.

ترتیبات قطعنامه اجرا گردید.

ج- آزادی اسرای جنگی (اجرای بند ۳):

بر اساس بند ۳ قطعنامه ۵۹۸، مصرانه از دولت‌های ایران و عراق خواسته شد که به محض پایان مناصمه فعال، اسرای جنگ خود را بر اساس ترتیبات کنوانسیون سوم ژنو آزاد نمایند. اولین گروه از اسرای جنگی که در اسارت نیروهای عراقی بودند، در ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۹ به وطن خود بازگشتند و پس از عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی مبادله اسرا آغاز شد و دو کشور توانستند بیشتر اسرای خود را تا اوایل ۱۹۹۱ مبادله نمایند.

بندهای اجرا نشده و معلق قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۵۹۸ مشتمل بر یک مقدمه و ۱۰ بند اجرائی است. بندهای معلق و اجرا نشده این قطعنامه در دو دسته اجرائی (دارای اهمیت مستقیم برای طرفین منازعه) و غیر اجرائی (که از اهمیت کمتری نسبت به بندهای اجرائی برخوردارند) به شرح ذیل مورد اشاره قرار دهیم:

الف- بندهای غیر اجرائی

۱- بند ۴ قطعنامه ۵۹۸:

این بند قطعنامه ناظر بر همکاری ایران و عراق با دبیر کل برای «رسیدن به یک راه حل جامع عادلانه و شرافتمندانه» است که در این رابطه باید گفت؛ طبق گزارش‌های ارائه شده توسط دبیرکل به شورا، همکاری و همراهی طرف ایرانی مورد تاکید قرار گرفته و به کار شکنی طرف عراقی نیز اشاره شده است. در عین حال باید متذکر شویم که هرچند ممکن است، یک آتش بس ممتد در برخی موارد، قرارداد غیر رسمی صلح تلقی گردد، اما این امر زمانی پذیرفته می شود که دو کشور با امضای یک قرارداد، پایان جنگ را اعلام نمایند. به همین دلیل نیز، بند ۴ قطعنامه ۵۹۸، به یک راه حل فراگیر و عادلانه بین ایران و عراق تاکید نموده است. درحالی که پس از جنگ ایران و عراق درباره امضای چنین قراردادی مذاکره نشده است. بنابراین، تا زمانی که قرار داد صلح تدوین و منعقد نشده، بین دو کشور، همچنان حالتی ادامه می یابد که نه صلح و نه جنگ است. به علاوه حتی در زمان آتش بس موقت نیز موارد متعددی از درگیری‌های دیگری به سازمان ملل گزارش شده است.

۲- بند ۵ قطعنامه ۵۹۸:

بند ۵ قطعنامه معطوف به سایر کشورها بوده و تعهد مستقیمی برای ایران و عراق در بر ندارد و بررسی میزان اجرای آن از منظر قواعد بی‌طرفی در جنگ در حقوق بین‌الملل، خود یک عنوان پژوهشی مستقل می‌طلبد که خارج از مجال این پژوهش است. درعین حال عدم اجرای آن توسط دیگر کشورها هر چند که ممکن است در گذشته مشکلاتی را به بار آورده باشد، در حال حاضر نمی‌تواند مانع از اراده ایران و عراق برای اجرای کامل قطعنامه به حساب آید.

۳- بند ۸ قطعنامه ۵۹۸:

بند ۸ قطعنامه ناظر بر راه‌های افزایش امنیت و ثبات در منطقه است و دبیرکل را مامور کرده است که با مشورت ایران و عراق آن را بررسی کند.

دبیرکل در بند ۹ گزارش ۹ دسامبر ۱۹۹۱ خود به شکل گلیه آمیزی آورده است: «شورای امنیت در سال ۱۹۸۷ در پاراگراف ۸ قطعنامه ۵۹۸ روش صحیحی را توصیه کرد که اگر به موقع اجرا شده بود، می‌توانست منطقه را از فاجعه بعدی که رخ داد، - اشغال کویت - برهاند». لذا به نظر می‌رسد، در راستای اجرای این بند عملاً اقدامی صورت نگرفته است.

۴- بند ۹ قطعنامه ۵۹۸:

بند ۹ قطعنامه دبیر کل را مامور کرده است که شورای امنیت را در خصوص اجرای قطعنامه آگاه سازد. این بند از وظایف اختصاصی دبیرکل بوده و به نظر می‌رسد با توجه به تصریح دبیر کل در بند ۳ نامه مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ به شورای امنیت، در این رابطه وی به وظایف خود عمل کرده باشد.

۵- بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸:

بند ۱۰ قطعنامه متوجه خود شورای امنیت است و در واقع شورا در این بند متعهد شده است که در صورت نیاز برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ تشکیل جلسه داده و اقدامات دیگر را بررسی نماید. به نوعی از این بند می‌توان به عنوان ضمانت اجرای قطعنامه یاد کرد. در این رابطه باید گفت که به رغم ضرورت‌هایی که وجود داشته، لیکن شورای امنیت هیچ‌گونه جلسه‌ای را تشکیل نداده و تضمین خود را اجرا نکرده است.

ب- بندهای اجرائی

۱- بند ۶ قطعنامه ۵۹۸: بند ۶ قطعنامه، ناظر بر تعیین مساله مهم مسئولیت جنگ است. در این

بند، شورای امنیت سه ماموریت را به منظور مشخص نمودن مسئولیت جنگ به شرح ذیل برای دبیرکل تعریف، و ایشان را به اجرای آن مامور کرده است.

الف- با ایران و عراق مشورت نماید؛

ب- درباره ارجاع موضوع تعیین مسئولیت جنگ به یک هیات بی طرف بررسی نماید؛

ج- نتایج اقدامات را به شورای امنیت گزارش نماید؛

حال این سوال اساسی مطرح است که به درستی چه میزان از اهداف مورد نظر این بند محقق و اجرائی شده است؟ در پاسخ به آن باید گفت که بهترین معیار برای پاسخ گویی به این سوال، تحلیل و بررسی حقوقی گزارش ۹ دسامبر ۱۹۹۱ دبیر کل به شورای امنیت است که ذیلاً به آن خواهیم پرداخت.

به موجب بند ۶ قطعنامه دبیر کل سازمان ملل طرح اجرائی را برای تشکیل هیات بی طرف ارائه نمود که طی آن، پیش بینی شده بود؛ هیات بی طرف مرکب از دو عضو پیشنهادی ایران و عراق و یکی از قضات دیوان بین المللی دادگستری باشد و کار خود را از ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۸ شروع کند و تا اول دسامبر ۱۹۸۸ گزارش خود را به دبیر کل ارائه دهد. از آنجا که طرح دبیرکل با مقتضای ذات قضیه سازگاری نداشت اجرائی نگردید. (ممتاز ۱۳۷۶، ۷۶) پس از عقب نشینی نیروها و آزاد سازی اسرا، دبیرکل دوباره تلاش‌های خود را به کار انداخت تا بند ۶ قطعنامه را به اجرا درآورد. وی در نامه‌ای به دولت‌های ایران و عراق از همکاری طفره رفت و از ارائه جزئیات موضع اش خودداری کرد. دبیرکل پس از جمع بندی نقطه نظرهای دو دولت و مشورت های لازم با برخی از حقوق دانان مستقل، در ۹ دسامبر ۱۹۹۱، گزارش خود را درباره اجرای بند ۶ قطعنامه تسلیم شورای امنیت کرد. وی در گزارش خود، عراق را مسئول جنگ و تجاوز مسلحانه برضد ایران معرفی و عمل تجاوز آن دولت را به لحاظ مقررات بین المللی غیر قابل توجیه خواند. به عقیده دبیرکل حتی اگر قبل از شروع مخاصمه، برخی تعرضات از جانب ایران صورت گرفته باشد، چنین تعرضاتی نمی تواند تجاوز عراق به ایران را که منجر به اشغال مستمر خاک ایران در طول جنگ شده است را توجیه کند. این تجاوز ممنوعیت کاربرد زور را که یکی از اصول حقوق بین الملل است، نقض می کند.

گزارش دکوئیار به عنوان سند شورای امنیت انتشار یافت. این گزارش ۱۱ سال پس از شروع

جنگ و سه سال و نیم پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط جمهوری اسلامی ایران منتشر شد. از آنجائیکه انتشار گزارش خاویر پرز دکونایار، یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار رفت، عراق شدیداً به آن اعتراض کرد و آن را نظر شخصی دبیرکل تلقی نمود. شورای امنیت هم متأسفانه واکنشی درقبال گزارش دبیرکل از خود نشان نداد.

از طرفی با مذاقه در گزارش دبیرکل و در پاسخ به سوال فوق (اینکه بدرستی چه میزان از اهداف بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ محقق گردیده) می‌توان گفت که:

۱- در بندهای ۱، ۲، ۴ و ۵ گزارش، دبیرکل به صراحت تصریح کرده که اقدامات صورت پذیرفته برای تهیه گزارش مذکور در راستای ماموریت محوله به وی در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ بوده است. (برخلاف نظر عراق که در واکنش به این گزارش آن را نظر شخصی دبیرکل قلمداد نمود).

۲- در بند ۲ گزارش مذکور، دبیرکل به مشورت‌های به عمل آمده با دو طرف منازعه در طول سه سال گذشته تصریح نموده است.

۳- حسب بند ۴ گزارش، دبیرکل علاوه بر مذاکره و مشورت شفاهی، کتبی نیز نظرات و مستندات دو طرف منازعه را در خصوص مسئولیت جنگ دریافت نموده است.

۴- در بند ۴ گزارش، دبیرکل تصریح نموده علاوه بر مشورت‌های بعمل آمده با طرفین منازعه، اسناد و اطلاعات مندرج در سازمان ملل، با کارشناسان مستقل نیز مشورت و اطلاعات آنها به دست آمده است.

۵- در بند ۵ گزارش، دبیرکل نقطه شروع جنگ ایران و عراق را نقض حقوق بین الملل و موجب مسئولیت دانسته و تأکید کرده باید مورد توجه جامعه جهانی قرار گیرد و بر اساس استفاده غیرقانونی از زور و عدم احترام به تمامیت ارضی یک کشور عضو تأکید نموده است.

۶- در بند ۶ گزارش، دبیرکل صریحاً بر حمله ۲۲ سپتامبر عراق علیه ایران تأکید نموده است. توضیح اینکه در دیگر بندهای این گزارش به موارد مختلفی از جمله نقض مقررات بین المللی از سوی عراق و ... تأکید شده که از آنجا که خارج از موضوع بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ و ماموریت محوله به دبیرکل است، از پرداختن به آنها صرف نظر می‌کنیم.

لذا با عنایت به محتوای گزارش دبیرکل که در راستای اجرای ماموریت به وی در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ صورت پذیرفته، و رد آن توسط عراق به عنوان دولت متجاوز و استقبال و پذیرش

آن از سوی ایران به عنوان دولت لطمه دیده، این سوال مطرح است که آیا بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ باید اجرا شده تلقی گردد یا خیر؟

در اینجا با دو برداشت مواجه خواهیم بود. برداشت اول اینکه اگر بپذیریم اقدامات به عمل آمده از سوی دبیرکل که شرح آن در گزارش ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ خطاب به شورای امنیت آمده است، در برگیرنده سه مأموریت تعیین شده برای وی در بند ۶ قطعنامه اعم از تعیین مسئول جنگ از طریق مشورت با طرفیت منازعه، بررسی ارجاع موضوع به هیات بی طرف و ارائه گزارش به شورا را پوشش می دهد، به این معناست که هدف اساسی مندرج در بند ۶ قطعنامه (تعیین مسئول جنگ) محقق و دبیرکل مأموریت خود را انجام داده است. تقریباً این برداشت نزدیک به موضع ایران است.

اما نظردیگر که در واقع همان نظر دولت عراق است، معتقد است که از آنجا که دبیرکل بدون ارجاع مساله به هیات بی طرف اقدام به تعیین مسئول جنگ نموده است و این امر به مثابه نظر شخصی ایشان تلقی می گردد، گزارش مذکور فاقد ارزش حقوقی است. لذا چنانچه از این منظر به موضوع نگاه کنیم نتیجه این خواهد شد که این بند بلا تکلیف و هنوز اجرا نشده است.

در این میان متاسفانه عدم واکنش (سلبی یا ایجابی) شورای امنیت در قبال گزارش دبیرکل بر ابهامات موجود افزوده است. به هر حال نتیجه ای که از بحث می توان گرفت این است که:

۱- گزارش دبیرکل به شورا و درخواست وی مبنی بر پیگیری نکردن قضیه توسط دو دولت به معنای خاتمه موضوع و اجرا شدن بند ۶ قطعنامه نیست و طبعاً عدم اجرای ترتیبات مقرر در بند ۶ موجب زوال الزام حقوقی دو طرف برای اجرای آنها را در پی نخواهد داشت.

۲- با توجه به مأموریت مشخص دبیرکل در قبال ارائه گزارش به شورا و اقداماتی که وی در طول سه سال برای شناسایی متجاوز به عمل آورده، طبعاً گزارش دبیرکل متکی بر مستندات حقوقی و قانونی است و برخلاف نظر عراق نمی توان آن را نظر شخصی ایشان به حساب آورد.

۳- به هر ترتیب با عنایت به اینکه هدف مستتر در بند ۶ قطعنامه، معرفی متجاوز و تعهدات آن در قبال نقض حقوق بین الملل که مستوجب جبران خسارت است، هنوز به طور کامل محقق نشده است، و به رغم ارزش حقوقی گزارش دبیرکل، لیکن این بند از قطعنامه هنوز اجرا نشده تلقی می گردد.

احراز تجاوز و تعیین متجاوز بر اساس منشور و رویه شورا، در زمره اختیارات مستقل دبیرکل نمی گنجد و باید با نظر شورای امنیت باشد. با این حال، تحلیل بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ نشان

می‌دهد که شورا با درک مسئولیت‌های قانونی خود، تبیین مسئولیت آغاز جنگ تحمیلی را به دبیرکل واگذار کرده و حتی اگر نص قطعنامه حاوی حکمی فراتر از تهیه گزارش تحلیلی در این خصوص نباشد (و نه اعلام طرف متجاوز)^۱ استمرار موضع مدام شورا یعنی سکوت حتی پس از صدور این گزارش نوعی تایید تلویحی مفاد آن است. دبیرکل با بهره‌گیری از شرایط خاص زمان (تجاوز آشکار عراق به کویت و اعتقاد شورای امنیت به متجاوز بودن این کشور) سیاست تجاوزکارانه عراق را در طول جنگ تحمیلی نیز تایید کرد. اما شورا این اقدام دبیرکل را تجاوز به حدود اختیارات انحصاری خود تلقی نکرد بلکه با سکوت در قبال آن، نوعی تایید ضمنی مفاد گزارش را نمودار ساخت. از این دید، گزارش دبیرکل بر اساس اختیار مندرج در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و تایید ضمنی بعدی که شورا بوده و همانند خود قطعنامه، از ارزش حقوقی برخوردار است. ضمن اینکه از زمان صدور گزارش مذکور، به جز عراق هیچ دولت یا حقوقدانی این امر را مورد اعتراض قرار نداد. یکی از فواید قابل توجه این گزارش، خاتمه دادن به بحث تقسیم مسئولیت آغاز و ادامه جنگ تحمیلی است، تعبیرهای مختلف از بند اول مقدمه قطعنامه مبنی بر «ابراز تاسف شورا از آغاز و ادامه مخاصمه» حاکی از نوعی تقسیم مسئولیت جنگ بین عراق (به عنوان آغازگر) و ایران (به منزله ادامه دهنده جنگ) بوده است. با توجه به انعکاس این موضع در بند ۶ قطعنامه، دبیرکل در گزارش خود چنین تعبیری را رد کرده است صرفاً عامل وقوع تجاوز را به آغازگر جنگ تحمیلی منتسب نموده و در این خصوص، بر مسئولیت انحصاری عراق تاکید و تمرکز نموده است.

بدون شک اینکه دبیرکل وقت ملل متحد با عمل به تکلیفی که شورا در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ پیش بینی کرده، عراق را متجاوز و مسئول آغاز جنگ تلقی کرده است قابل توجه است اما استنتاج

۱. از طرف دیگر با این حال محتوای قطعنامه چنین است که شورا جز توسل به اقدامات مندرج در مواد ۴۲ و ۴۱ برای واداشتن ایران و عراق به قبول و اجرای قطعنامه، تمایلی برای تشکیل دوباره جلسه برای بررسی موضوع جنگ ندارد. بی تفاوتی شورا به گزارش دبیر کل که بر مبنای همان قطعنامه تهیه شده بود، موید همین امر است. از طرف دیگر، اینکه شورا گزارش را بدون بررسی گذاشت با نمودی از قصور مجدد شورا در ایفای مسئولیت خود بر مبنای ماده ۲۴ منشور و حتی خود قطعنامه است و یا آنکه نمایانگر تایید ضمنی شورا در اثر عدم مخالفت است.

ایشان به اینکه پیگیری بند ۶ قطعنامه بی‌اثر خواهد بود، اساساً در صلاحیت وی نبوده است. چرا که بر اساس قطعنامه، وی صرفاً مامور به ارائه گزارش توصیفی و تحلیلی از آغاز جنگ و انتساب آنها به طرفین مخاصمه بوده، بدون آنکه قادر باشد در خصوص قابلیت انجام روندی که شورا در قطعنامه‌ای مستند به فصل هفتم منشور پیش‌بینی نموده، اظهار نظر نماید. ظاهراً وی در آستانه پایان ماموریت خود، با چنین بیانی، درصدد برآمد تا ظن عدم خاتمه کار ایفای ماموریت محوله را برطرف نماید.

۲- بند ۷ قطعنامه ۵۹۸:

بند ۷ قطعنامه ۵۹۸، ناظر بر تخمین خسارات وارده در طول منازعه است و دبیرکل را مامور کرده است که گروهی از کارشناسان را برای بررسی مساله بازسازی تعیین و به شورای امنیت گزارش دهد. بر همین اساس دبیرکل سازمان ملل، در پی تلاش‌های مداومی که در طول قریب به سه سال در این زمینه به‌عمل آورد، خسارات وارده بر ایران را در جریان جنگ مشخص نمود. شایان ذکر است که در این باره، اقدام سازمان ملل در رابطه با تعیین خسارات وارده به کویت در جریان بحران خلیج فارس موثر بود. چرا که شورای امنیت نمی‌توانست نسبت به یک موضوع، یعنی برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و کویت، برخورد دوگانه داشته باشد. این شورا در دو قطعنامه ۵۹۸ و ۶۸۷ بر ضرورت برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و کویت تاکید کرده بود. لذا با عنایت به اقدام سازمان ملل در برآورد میزان خسارات وارده بر کویت در مه ۱۹۹۱ ضرورت داشت که در مورد ایران نیز اقدام عملی صورت پذیرد. لذا در اجرای بند ۷ قطعنامه ۵۹۸، دبیرکل سازمان ملل، طی نامه‌ای در تاریخ ۳۱ جولای ۱۹۹۱ (۹ مرداد ۷۰) خطاب به رئیس شورای امنیت، گزارشی از تیم کارشناسان اعزامی به جمهوری اسلامی ایران ارائه داد. وی در گزارش خود که در راستای پارگراف ۷ قطعنامه ۵۹۸ و جهت تهیه گزارشی درباره خسارت‌های وارده به دو کشور ایران و عراق برای کمک بین‌المللی به بازسازی خرابی‌های دو کشور و ارائه گزارش به شورای امنیت صورت گرفت، جزئیاتی از خسارت‌ها، ماهیت و وضعیت تلاش‌های بازسازی و مشاهدات هیات از مناطق و تاسیسات آسیب دیده را به اطلاع شورای امنیت رساند. نهایتاً سازمان ملل در گزارش خود، ضمن اذعان به عظمت خسارات وارده به ایران، میزان خسارات مستقیم را ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم را ۳۴۵۳۵ میلیارد دلار برآورد نمود. اما ایران میزان خسارات

وارد شده را ۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد. قابل ذکر اینکه این اقدام دبیرکل سازمان ملل با اعتراض دولت عراق روبرو شد. (جعفری ولدایی، ۱۳۷۷، ۲۵-۲۸)

خسارات وارده به ایران در بخش کشاورزی، جنگل‌ها و چراگاه‌ها

۳۱ می ۱۹۹۱ تا ۲۱ ژوئن ۱۹۹۱ (۱۰ مرداد ۱۳۷۰ تا ۳۱ مرداد ۱۳۷۰)، هیاتی از جمهوری اسلامی ایران بازدید کرد؛ گزارش این هیات، درحقیقت توصیفی از وسعت خرابی‌ها و برآوردهای مالی خسارت‌های وارده بر ایران بود. قسمت‌هایی از گزارش هیات:

از ۲۴ استان کشور، ۵ استان صحنه نبرد بود و ۱۱ استان دیگر هدف حمله‌های هوایی و موشکی مکرر قرار گرفت. این ۱۶ استان، دو سوم جمعیت ۵۰ میلیونی کشور را در خود جای می‌داد. منطقه نبرد به طول ۱/۲۰۰ کیلومتر در امتداد مرز و به عمق ۸۰ کیلومتر، عمدتاً در خاک ایران است. طبق اظهارات مقامات ایرانی، بیش از ۵۰ شهر و شهرستان و نزدیک به ۴ هزار روستا در این جنگ به میزان مختلف متحمل خسارت گردیدند و تعداد بسیاری نیز با خاک یکسان شده‌اند که می‌بایست آن‌ها را به این تعداد اضافه کرد. هیات سازمان ملل تعداد قابل ملاحظه‌ای از این محل‌ها را مورد بازدید قرار داد و خسارات وارده را تایید کرد.

بخش کشاورزی

کشاورزی در پنج استان مجاور عراق نه تنها به طور گسترده‌ای از بین رفت، بلکه در زمینه نوین‌سازی نیز عقب ماند. دولت برآورد کرد که خسارت‌های مستقیم وارده به بخش کشاورزی، به ۱/۷۸۳/۳۷۷ ریال بالغ شود و خسارت‌های غیر مستقیم نیز ۱۴/۱۷۳/۹۵۵ برآورد شد که بیشترین آسیب‌ها بر محیط زیست وارد شد.

کمیسیون اعزامی^۱، توجه خود را بر مناطق مرزی متمرکز ساخت که عمده خسارتها در این مناطق به ویژه نواحی تولیدی اطراف خرمشهر و آبادان از جمله شلمچه و جزیره مینو، دشت آزادگان و دشت‌های اطراف حمیدیه، سوسنگرد، هویزه، و بستان محدود می‌شد.

۱. اطلاعات طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه.

به علت گستردگی ناحیه، تعیین میزان بسیار دقیق خسارتهای بیستر نقاط این استان، در مدتی که از زمان خسارت سپری شده، دشوار بود. هیات مشاهده کرد که در منطقه آزادگان، بیست باغستان هر یک به مساحت هفت هکتار، به طور کامل با خاک یکسان شده بود. در نخلستان مینو، نزدیک به ۷۵ درصد از درخت های نخل به آتش کشیده شد. یا خشکید. انهدام وسیعی در استان دیده شد و به وسیله پرواز بالگرد مورد تایید قرار گرفت.

ایلام: بنا به گزارش، از ۲۳ هزار هکتار زمین حاصل خیز، افزون بر ۵۰ درصد آن خسارت شدید دید. و به ۵۰ درصد از ۵۶ هزار هکتار کشاورزی دیم نیز به دلیل درگیری های نظامی و اشغال آسیب نسبی وارد آمد. نزدیک به یک سوم از ۱۵۰ حلقه چاه عمیق، غارت یا منهدم شد و بقیه چاه ها نیز خسارت دیدند. همچنین، نواحی اطراف دهلران و مهران صدمه گسترده ای دید و تنها بخش اندکی از زیربنای اصلی آن باقی ماند.

باختران: بررسی و بازدیدهای هوایی از نواحی سومار، نفت شهر، گیلان غرب، سرپل ذهاب و قصر شیرین، مقیاسی تقریبی از خسارتهای وارد شده به زمین ها و ساختمان ها را ارائه داد. بناهای کشاورزی کاملاً با خاک یکسان شد. شدت خسارت ها با خسارت های وارده به زمین در سایر استان ها و عمدتاً در نواحی اطراف قصر شیرین، مشابه بود. این خسارت ها در گیلان غرب در حدی سبک تا متوسط بودند. پرواز بر فراز باغ های مرکبات و نخلستان ها، از زمین عریان با اندک درختانی که بر جای مانده و سوخته بودند، تصویر حزن آوری ارائه می داد.

جنگل ها و چراگاه ها:

بنا به گزارش وزارت جهاد، ۸۵ هزار هکتار از جنگل های طبیعی به دلایل نظامی نابود شدند. هیات توجه نمود که اثرات غیر مستقیم انهدام جنگل ها بر محیط زیست، مانند حفظ خاک و از بین رفتن قدرت خاک، فرسایش و رسوب سدها و سایر ساختارهای آبی می تواند ۱۵ بار بیشتر از خسارت های مستقیم باشد.

چراگاه ها: تقریباً ۷۵۳ هزار هکتار از چراگاه های واقع در منطقه جنگلی به دلایل نیازهای

ساختمان نظیر جاده ها، پادگانها و ... از بین رفتند.

ماهگیری: خوزستان تنها استانی است که جنگ بر ماهگیری آن اثر گذاشت.

عدم تشخیص متجاوز و رسیدگی مستقل نسبت به خسارات وارده به جنگ در چارچوب

قطعنامه ۵۹۸

یکی از ضعف‌های عمده شورای امنیت در برخورد صحیح و مناسب با جنگ تحمیلی، سکوت نسبت به بررسی مسئولیت‌های مدنی و کیفری متجاوز و نحوه بازسازی کشور مورد تجاوز بود. بدون شک، قطعنامه ۵۹۸ بهترین مجال بدین منظور بود اما همان طور که از قرائت ساده این قطعنامه بر می‌آید، در آن مشخص نشده است که چنانچه کمیته تعیین متجاوز [بر مبنای بند ۶ قطعنامه] تشکیل شود و طرف مسئول جنگ را معرفی کند، متجاوز چه مسئولیتی خواهد داشت و شورای امنیت چه روشی را در مقابل آن به کار می‌گیرد. (زمانی، ۱۳۶۷، ۱۸۴-۱۸۳)

در زمان صدور این قطعنامه، ابتدا چنین استنباط می‌شد که موضوعات مندرج در بندهای ۶ و ۷ قابل تلفیق است و وظایف کمیته بازسازی می‌تواند بر دو مقوله برآورد خسارات ناشی از جنگ تحمیلی و تدارک روش‌هایی که نهایتاً منجر به اخذ غرامت از مسئول جنگ شود، استوار گردد. ولی بعداً در پی بحث‌هایی که در کمیته هماهنگی با حضور وزیر امور خارجه صورت گرفت روشن شد که مسائل مربوط به بندهای ۶ و ۷ قطعنامه قابل تلفیق نیست و اگر اقدامات مربوط به بند ۶ به گونه‌ای جریان یابد که امکان غرامت طلبی توسط جمهوری اسلامی ایران میسر گردد، ضرورتاً گروه خاص دیگری تنظیم دادخواست و سایر اقدامات مربوط را عهده دار خواهد بود و لذا شرح وظایف کمیته بازسازی صرفاً به بند ۷ قطعنامه محدود شد. (زمانی ۱۳۶۷، ۱۸۶)

در این خصوص نیز سکوت غیر قابل قبول حاکم بر شورای امنیت که بیش از همه نتیجه بی‌ارادگی اعضای آن در برخورد قاطع با متجاوز بود که در طول جنگ از کمک‌های مختلف آنها بهره‌مند بود، به عقیم ماندن اجرای بند ۷ منجر شد.

با اینکه متعاقب تلاش‌های مختلف مقامات ایرانی و اقدام دبیر کل ملل متحد، خسارت‌های جنگ برآورد، و گزارش آن ارائه شد ولی اقدام موثری برای بازسازی صورت نگرفت.

قطعنامه ۵۹۸ با طرح مسئله جبران خسارت بعدی از بند ۶ راجع به تعیین متجاوز، به صورتی زیرکانه از زیر بار خواسته مشروع ایران برای مجازات عراق شانه خالی کرده و مسئولیت بین‌المللی را صرفاً در قالب سنتی آن یعنی مسئولیت مدنی (آن هم صرفاً جبران خسارت) مورد توجه قرار داده است. جای تاسف این که مساله جبران خسارات نیز به جای اینکه بر دولت متجاوز (عراق)

تحمیل شود به طور مبهم تحت لوای کمک‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. از این طریق شورای امنیت به صورتی مزورانه نه تنها مسئولیت کیفری دولت عراق به لحاظ ارتکاب جرم بین‌المللی تجاوز، بلکه کل موضوع مسئولیت بین‌المللی عراق را نادیده گرفت. جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به صندوق بین‌المللی پول خواستار دریافت ۹۷/۲ میلیارد دلار غرامت جنگ از عراق و اضافه شدن مبالغ مذکور به بدهی‌های خارجی این کشور شد. با این که سند درخواست مذکور در دسترس عموم قرار نگرفت اما تحلیل رسانه‌های گروهی این بود که مبلغ شامل هزینه‌های نظامی جنگ تحمیلی نمی‌باشد. (نادر، ۱۳۸۳، ۶۷)

در واقع، تفکیکی بین هزینه‌های نظامی و صدمات جنگ بر بخش‌های غیر نظامی صورت گرفته است. بدون شک، چنین اقدامی هر چند ممکن است نوعی استفاده از فرصت بوجود آمده برای فراهم کردن امکان استیفای حق مشروع و مسلم ایران تلقی شود اما به نظر نمی‌رسد که راه صحیح مطالبه این حق باشد. زیرا اولاً: تفکیک غرامت جنگ بر هر مینا و اساسی که باشد، موجب برهم زدن جامعیت (غرامت) قابل پرداخت به ایران می‌گردد. در واقع، حتی اگر چنین درخواستی از سوی صندوق بین‌المللی پول نیز پذیرفته شود، معلوم نیست که مطالبه هزینه‌های نظامی جنگ به چه سبک و سیاقی صورت خواهد گرفت. ثانیاً: صندوق بین‌المللی پول تنها در صورتی چنین درخواستی را اجرا می‌نماید که مبنای حقوقی روشن و دقیقی برای آن وجود داشته باشد. فقدان قطعنامه‌ای مشخص از سوی شورای امنیت (که مسئول انحصاری تعیین ابعاد این غرامت است)، گزینه‌ای جز رد این درخواست را باقی نمی‌گذارد. در این صورت، درخواست‌های مکرر ایران از مراجع غیر صالح و رد مکرر این درخواست‌ها نه تنها موجب لوٹ شدن موضوع می‌گردد بلکه ممکن است موجب شکل‌گیری رویه‌های بین‌المللی گردد که مطالبه حق مشروع ایران را با موانع حقوقی روبرو سازد.

در لزوم مطالبه غرامت جنگ به عنوان یکی از برنامه‌های در دستور کار دستگاه سیاست خارجی کشور چندان تردیدی وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که در این خصوص عزم راسخی (آن گونه که لازمه استیفای حق یک کشور زیان دیده است) وجود ندارد و این موضوع تحت الشعاع دیگر مسائل بین‌المللی شده ایران قرار دارد. در هر حال، جستجوی راه‌های احیای روند مندرج در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که به هر دلیل مدت‌ها معلق مانده است، مناسب‌ترین گزینه برای مطالبه حق

مذکور می باشد.

پس از جنگ جهانی دوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ضمن محکوم کردن صریح اعمال تجاوزکارانه، وظیفه جبران خسارت یا پرداخت غرامت را یادآور شده است. برای مثال در قطعنامه ۲۶۲ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۸ شورای امنیت بدون آن که هجوم هوایی اسرائیل به فرودگاه بیروت (یکی از مصادیق تجاوز) را تجاوز بنامد لبنان را مستحق جبران خسارت مناسب از بابت خرابی‌های به بار آمده دانست. همچنین قطعنامه ۲۹۰ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۰ در مورد تهاجم پرتغال به گینه، از دولت پرتغال می‌خواهد که به جمهوری گینه غرامت بپردازد. همچنین در قطعنامه ۳۸۷ مورخ ۳۱ مارس ۱۹۷۶ در مورد تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا، از آفریقای جنوبی خواست که تقاضای عادلانه جمهوری خلق آنگولا در مورد پرداخت غرامت کامل از بابت زیان‌ها و خرابی‌های وارد شده به این دولت و مسترد داشتن تجهیزات و وسایلی که نیروهای مهاجم ربوده بودند را برآورده سازد. شورای امنیت هم چنین در قطعنامه ۴۵۵ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۹ پس از محکوم کردن تجاوز رودزیای جنوبی به زامبیا، خواستار ارایه غرامت کامل و مناسب به جمهوری زامبیا شد. همین فرمول در قطعنامه ۴۷۵ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰ نیز به کار رفت که در آن ادعای آنگولا علیه آفریقای جنوبی در مورد جبران خسارت تأیید گردید. همین موضوع بار دیگر در قطعنامه ۵۲۷ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲ شورای امنیت تکرار شد که در آن اعمال تجاوزکارانه آفریقای جنوبی علیه لسوتو محکوم گردید و از آفریقای جنوبی خواسته شد که به خاطر زیان‌های وارد شده به جان و مال مردم، ناشی از این عمل تجاوز، به پادشاهی لسوتو، غرامت کامل و مناسب بپردازد. در قطعنامه ۴۸۷ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ نیز حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته ای عراق محکوم و عراق مستحق جبران خسارت مقتضی به خاطر خرابی‌های به وجود آمده دانسته شد. در همه این قطعنامه‌ها شورای امنیت تصمیمات خود را بر این فرض استوار ساخت که تجاوز به طور خودکار موجد وظیفه جبران خسارت است و وجود آن موقوف به توافق متجاوز نیست ولیکن در جنگ تحمیلی شورای امنیت عملکردی متفاوت داشته است.

تعهدات دولت جدید عراق نسبت به اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸

در بررسی موضوع احراز مسئولیت دولت جدید عراق در قبال تعهدات بین المللی دولت قبلی

مهمترین موارد و قرائتی که به عنوان این احراز مسئولیت به دست می‌آید عبارت از :

الف: رویه جاری دولت جدید عراق در عرصه بین‌المللی، مبین پذیرش عمل به تعهدات بین‌المللی دولت قبلی و مشخصاً در تعهدات و مسئولیت‌های ناشی از اقدامات تجاوزکارانه آن است که مهمترین مصادیق این رویه، پرداخت غرامت جنگی به کویت و بازپرداخت دیون دولت قبلی به اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد.

ب: رویه جامعه بین‌المللی اعم از دولت‌ها، سازمان ملل و مشخصاً شورای امنیت، حاکی از پذیرش موضوع انتقال تعهدات دولت قبلی عراق به دولت جدید در این کشور است که بارزترین دلایل اثباتی این امر را در قطعنامه‌های ۱۵۴۶، ۱۴۸۳، ۱۹۵۹ شورای امنیت و همچنین تلاش دولت‌ها برای دریافت دیون مالی خود از عراق شاهد هستیم.

ج: اظهارات و اعترافات مقامات و مسئولین دولت جدید عراق مبنی بر لزوم پرداخت غرامت ناشی از تجاوز دولت قبلی عراق به ایران و یا درخواست بخشش آن‌ها و همچنین اعتباری که رویه قضایی بین‌المللی برای اینگونه اظهارات سران کشورها قائل گردیده است.

لذا از مجموع این مطالب به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که تعهدات دولت قبلی به دولت جدید قابل انتقال بوده و دولت جدید این کشور به طور عام نسبت به اجرای تعهدات بین‌المللی دولت قبلی مسئول است و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ نیز به عنوان یکی از تعهدات دولت قبلی از این امر مستثنی نمی‌باشد. از سوی دیگر و آنجا که عدم اجرای قطعنامه ۵۹۸، وضعیت روابط دو کشور را کماکان در حالت مبهم قرار داده و هرگونه برقراری صلح و ثبات دائمی در منطقه منوط به اجرای کامل و وصول به اهداف این قطعنامه است. اجرای آن برای دو طرف ضروری است.

تعهد جامعه بین‌المللی نسبت به اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸

الف: تصریح مفاد منشور ملل متحد در باب صلاحیت‌های شورای امنیت

ب: رویه جامعه بین‌المللی در پرداخت غرامت ناشی از جنگ و تجاوز، به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی و در موضوعاتی نظیر مقابله با تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز و مشخصاً تجاوز عراق به کویت.

ج: تصریح شورای امنیت در بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر لزوم تشکیل جلسات بعدی برای اجرای کامل قطعنامه مذکور.

لذا از مجموع موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که تعهد جامعه بین‌المللی در قبال اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و تامین حقوق ایران به عنوان یک دولت و عضو لطمه دیده جامعه بین‌المللی محرز و سازمان ملل و مشخصاً شورای امنیت در این باره مسئولیت مستقیم دارند.

نتیجه‌گیری

قبل از ارائه نتایج حاصله از این مقاله اشاره اجمالی به برخی نکات به عنوان جمع‌بندی مباحث مقدماتی، خالی از لطف نخواهد بود. نکات مزبور که معطوف به نقش شورای امنیت و اعتبار حقوقی قطعنامه ۵۹۸ است، به شرح ذیل می‌باشند:

۱- تا قبل از صدور قطعنامه ۵۹۸ و در طول ۷ سال از جنگ و تجاوز عراق به ایران، به ویژه در سال‌های آغازین آن و به رغم تجاوز و ورود ارتش عراق به داخل مرزهای ایران، اساساً شورای امنیت قائل به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نبوده و صرفاً در حد و اندازه یک (وضعیت) به آن می‌نگریسته و صرفاً با توصیه طرفین به آتش بس، با بی‌تفاوتی کامل تنها از خود رفع تکلیف نموده و این امر می‌توانست برای ادامه تجاوز رژیم بعث تلقی شود. ۲- نکته اساسی که همواره در متن قطعنامه‌های صادره در طول ۷ سال جنگ کاملاً ملموس است، عدم توجه شورای امنیت برای شناسایی متجاوز و محکومیت اشغال نظامی است که این امر سازگاری نداشتن با منشور محسوب می‌شود. به علاوه محکوم نکردن دولت عراق در توسل به زور و توجه نکردن این دولت در حل و فصل مناقشه طبق منشور و نیز سکوت ۲۲ ماهه شورای امنیت، نسبت به تلاش‌های جنگی نیروهای متجاوز عراقی در اوائل جنگ، حاکی از مغایرت صریح نگرش شورا با روح منشور و مفاد ۳۳ و ۳۷ منشور محسوب می‌گردد. ۳- از سوی دیگر، رویه شورای امنیت در برخورد با مسائل مربوط به تهاجم عراق به ایران و موارد پیرامونی آن به نظر تبعیض آمیز می‌رسد چرا که از یک سو، همان‌گونه که در بالا اشاره نمودیم، به رغم اینکه ادله کافی برای متجاوز دانستن عراق به عنوان متجاوز در اختیار شورا بوده، شورا بدون توجه به آن‌ها، اصولاً در پذیرش موضوع تجاوز و متجاوز، خود را تا پایان جنگ به تجاهل زده است و در قبال اقدامات خلاف مقررات بین‌المللی عراق که به صراحت مسئولیت آنها را نیز برعهده می‌گرفته، از خود واکنشی نشان نداده است.

مهمترین پیشنهادات راهبردی که از مجموع مباحث مطروحه می‌توان ارائه نمود به شرح ذیل است:

۱- با نگاهی گذرا به قطعنامه ۵۹۸ درخواهیم یافت که نگرانی و اصرار ایران مبنی بر لزوم معرفی متجاوز قبل از هر اقدامی کاملاً بجا و صحیح بوده لیکن متأسفانه عوامل متعددی - غالباً سیاسی - مانع از تحقق شروط و خواسته های ایران شده است. لذا پیشنهاد می گردد با توجه به اینکه اجرای قطعنامه منافع قابل توجهی را عاید ایران می نماید و در وضعیت فعلی اقتصادی اقدام عاجل جهت اجرای قطعنامه به عمل آید.

۲- با توجه به عضویت ایران و عراق در سازمان ملل متحد و با عنایت به منازعه ایران و عراق که منجر به نقض صلح گردیده و به اعتبار ماده ۲۴ منشور ملل متحد و اختیارات تنفیذ شده از سوی اعضاء به این شورا در این ماده، شورای امنیت برای مساله و صدور قطعنامه ۵۹۸ صالح بوده است و با عنایت به استناد شورای امنیت در پاراگراف مقدماتی به ماده ۳۹ منشور ملل متحد و احراز موضوع تهدید علیه صلح از سوی این شورا که در واقع گویای تصمیم گیری این شورا بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد است. طبعاً الزام آور بودن اجرای آن قطعنامه تقویت پذیرش آن از سوی دو طرف منازعه این اثر الزام آور بودن را قطعیت می بخشد. مضافاً به اینکه صدور قطعنامه ناشی از تصمیم یک نهاد رسمی بین المللی بوده و از طرفی به کرات به صورت شفاهی و کتبی، پذیرش اجرای کامل قطعنامه از سوی دو طرف منازعه مورد تأکید قرار گرفته است و حتی بخش هایی از آن به طور کامل اجراء شده است. می توان گفت که قطعنامه ۵۹۸ یک توافق نامه بین المللی است و به توافقات کتبی و شفاهی صورت گرفته از ناحیه ایران و عراق برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ آثار و تبعات معاهداتی مترتب است و دو طرف منازعه نسبت به اجرای آن متعهد می باشند. لذا پیشنهاد می شود در راستای الزام آور بودن این قطعنامه و بر اساس بند ۶ و ۷ قطعنامه که می بایست آغازگر جنگ و جبران خسارت توسط یک مرجع بی طرف رسیدگی قرار گیرد و این امر به عهده دبیرکل گذاشته شده است لذا دیوان بین المللی دادگستری می تواند بعنوان یک مرجع مستقل و بی طرف نسبت به خسارات وارده زیست محیطی به ایران صالح به رسیدگی باشد و دولت ایران این پیشنهاد را در دستور کار خود قرار دهد.

۳- به رغم شکل گیری حوادث مهمی نظیر اشغال عراق و روی کار آمدن دولت جدید در این کشور و بروز تغییراتی که از منظر حقوق بین الملل قابل توجه می باشند ولیکن مشخصه های لازم برای اینکه بتوان این تغییرات را در زمره تغییرات بنیادین اوضاع و احوال به حساب آورد کاملاً

محقق نشده و یا حداقل به شکل ناقص بروز کرده است و این امر در رویه دولت جدید عراق، شورای امنیت و سایر دولت‌ها به خوبی می‌توان ملاحظه نمود. لذا تغییرات صورت گرفته هیچ‌گونه تاثیری بر تعهدات بین‌المللی دولت جدید عراق که از دولت قبلی به ارث برده نداشته است لذا پیشنهاد می‌شود با عنایت به اینکه دولت جدید عراق در قبال تعهدات ناشی از پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیز متعهد است دولت ایران از طریق مجامع بین‌المللی نسبت به اجرای قطعنامه مذکور اقدام کند.

۴- مسلماً اجرای تصمیمات شورای امنیت بر طبق فصل هفتم منشور به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، با توجه به تعهد اعضا به موجب ماده ۲۵ منشور، و بنا به تصریح ماده ۱۰۳ آن سند، از تعهداتی است که به تعهدات اعضای سازمان ملل، به موجب هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر برتری و تقدم دارد و بر اساس بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خود را مکلف کرده که در صورت نیاز برای اجرای قطعنامه مذکور تشکیل جلسه دهد. لذا فقط با اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ جامعه بین‌المللی به شکل عام و سازمان ملل و شورای امنیت به شکل خاص به تعهدات خود در قبال نقض مقررات بین‌المللی از سوی دولت قبلی عراق عمل کرده اند امری که در جریان متجاوز عراق به کویت نه تنها به شکل کامل تحقق پذیرفت بلکه اقدامات فراتر از حدود و صلاحیت های شورای امنیت نیز بود بنابراین پیشنهاد می‌گردد دولت ایران با توجه به اینکه بند ۷ و ۶ قطعنامه اجراء نشده است می‌بایست از طریق دیپلماسی اهتمام خود را نسبت به تشکیل جلسه شورای امنیت به کار بندد.

۵- اظهارات مقامات و مسئولین عراقی در قبال پذیرش خسارت وارده به ایران توسط دولت قبلی عراق کاملاً واضح و مبرهن است. تقاضا و تمایل آنها برای مذاکره در خصوص بخشش این غرامات از سوی ایران، حاکی از به رسمیت شناختن این حق از سوی آنها است به ویژه رویه دولت جدید عراق نسبت به جبران خسارت وارده به کویت که مبتنی بر پرداخت، جلب رضایت و گرفتن بخشودگی می‌باشد قابل توجه است و اینکه طی سالها پس از سرنگونی صدام هیچگاه مشی انکار را اتخاذ ننموده و رویه این دولت مبتنی به تعامل سازنده بوده است که از نظر حقوقی مهم ارزیابی می‌گردد لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه دولت جدید عراق عملاً و بدون هیچ شرطی خود را نسبت به تعهدات دولت قبلی متعهد و مسئول می‌داند دولت ایران با عنایت به

روابط حسنه با عراق نسبت به تعیین تکلیف غرامت ناشی از جنگ و علی‌الخصوص خسارات زیست محیطی اقدام کند.

۶- طی چند سال اخیر و به ویژه پس از سرنگونی دولت قبلی عراق، اقدام خاصی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری تعهدات قبلی عراق از ناحیه دولت جدید این کشور به عمل نیامده است و مشخصاً اجرای بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ که دربرگیرنده منافع قابل توجهی برای ایران است، همچنان بدون پیگیری باقی مانده است. در این میان تنها اقدامی که از سوی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در خصوص موضوع جنایات صدام در طول جنگ تحمیلی که طی نامه‌ای به وزارت خارجه عراق جهت طرح در دادگاه ویژه محاکمه صدام است بنابراین پیشنهاد می‌شود وزارت امور خارجه ایران به عنوان متولی دستگاه دیپلماسی کشور کمیته ای تحت عنوان کمیته پیگیری و اجرای قطعنامه ۵۹۸ ایجاد و موضوع را با جدیت دنبال کند.

منابع:

- ۱- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۴) نقش سازمان ملل در جنگ عراق و اسیران، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار
- ۲- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷) کانون‌های بحران در خلیج فارس، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان
- ۳- ساعد، نادر (۱۳۸۳) بازگروهی جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین الملل، فصلنامه دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷
- ۴- زمانی، سید قاسم (۱۳۶۷) تاملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۰ و ۲۱
- ۵- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۶) تحرک بین المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار ۸ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۶- قاضی، سیدسعید (۱۳۷۴) زندگینامه دبیرکل‌های ملل متحد، فعالیت‌های سیاسی آن‌ها، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴
- ۷- متن نامه‌های مبادله شده بین روسای جمهور دولت ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- ۸- مختاری، مجید (۱۳۶۶) تصویب قطعنامه ۵۹۸ و اسناد آن در سازمان ملل متحد، ۱۳۸۰، تهران، مرکز مطالعات عالی بین الملل
- ۹- مصفا، نسرين (۱۳۶۶) تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، تهران، مرکز مطالعات عالی بین الملل
- ۱۰- ممتاز، جمشید (۱۳۷۶) ایران و حقوق بین الملل، با همکاری امیرحسین رنجبران، ۱۳۷۶، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر
- ۱۱- هیوم، کامرون (۱۳۷۶) سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی، عرفی پابت، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل

12- Un.doc.s/23276,9des1991

13- Un.doc.s/22863,july.1991